

جریان‌شناسی سیاسی از دیدگاه شهید سید محمد باقر صدر

سجاد پناهی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳ / ۰۸ / ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۲۳ / ۰۸ / ۱۳۹۸

چکیده

تفکر بنیادگرایی در عراق به سبب سیغه شیعه‌گری، بیانگر نوعی خاص از فعالیت‌های اسلامی در جامعه عراقی بوده است. این تفکر شیعه (۵۵ درصدی) علیه رژیم بعثی، متکی بر اقلیت (۲۰ درصدی عرب سنی) به حساب می‌آید. در طلعه مبارزاتی نهضت امام خمینی رحمت الله علیه در سال ۱۳۴۲ و تبعید ایشان به عراق از یک سو، و نبوغ شخصیت فقهی شهید سید محمد باقر صدر در حوزه نجف اشرف از سوی دیگر؛ وی را بر آن داشت که احساس مسئولیت نموده و نسبت به جریانات فکری و سیاسی جهان اسلام، به‌ویژه جامعه‌ی عراقی بی‌توجه نباشد. لذا این سؤال مطرح است که شهید سید محمد باقر صدر چه قرائتی از جریان‌شناسی و جریان سیاسی داشتند؟ این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به این پرسش پاسخ خواهد داد.

کلید واژه‌ها: نوگرایی، تفکر الحادی، التقاط، تفکر تکفیری وهابی، سید محمد باقر صدر.

استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰): پناهی، سجاد (۱۳۹۹، بهار). «جریان‌شناسی سیاسی از دیدگاه شهید سید محمد باقر صدر». *پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه*، سال سوم، شماره اول، صص ۷۳-۸۸.

^۱ . دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. ایمیل: Panahi.116@gmail.com

۱. مقدمه

انسان از بدو تولد گیتی در پی کشف راهی مطمئن برای بهتر زیستن بوده و در اعصار تاریخی گذشته بعضی از صاحبان اندیشه با خلاقیتی شگرف، موقعیت‌های سترگی در فرایند حیات اجتماع بشر خلق نموده و باعث نجات جامعه بشریت از یوغ هژمونی زیاده خواهان و فرصت طلبان دیکتاتور شده‌اند و سخت کوشیدند تا بهترین نوع حکومت را برای بشر تشنه به عدالت اجتماعی ترسیم نمایند. که می‌شود از افلاطون و ارسطو در عهد یونان باستان، به‌عنوان طلیعه‌داران سیاست اجتماعی یاد کرد. در قاموس ادیان الهی، بویژه دین مبین اسلام، بزرگان فراوانی یافت شده که اندیشه و فکرشان منشاء دولت‌سازی، دولت یاری و وضع قوانین بوده است. پر مخاطره‌ترین مسأله‌ای که امروزه فکر انسان را به‌خود مشغول کرده، چگونگی نظام اجتماعی است که ماحصل تفکر جریان‌های سیاسی است، یعنی کدام نظام اجتماعی بستر زیستن بهتر را، برای انسان فراهم می‌آورد و او را در زندگی دنیوی به سعادت می‌رساند.

نوع نظام اجتماعی در زندگی انسان حائز اهمیت فوق العاده‌ای است، زیرا می‌تواند هم منشاء خیرات و برکاتی چند باشد و هم می‌تواند سرچشمه خطرات جبران ناپذیری برای انسان و جامعه انسانی، در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باشد. البته اگر تفکرات اجتماعی ریشه‌دار و متکی بر قوانین راه‌گشا و متقنی در جامعه توسط خواص به پشتیبانی عامه مردم خلق شود، قادر است مانند دژی محکم از افراد جامعه و دستاوردهای آن که همان هنجارهای آن جامعه است محافظت نماید.

مسأله‌ی نظام اجتماعی، ریشه در اعماق تاریخ بشریت داشته و دارد؛ یعنی نظام اجتماعی مردم سالار در اجتماعی شکل می‌گیرد که آن جامعه دارای: تحزب، جامعه مدنی، سنن، قوانین و روابط متقابل اجتماعی باشد. نظام اجتماعی اسلام از هر نظریه و تئوری پرنرنگ‌تر و پرمغزتر بوده و خواهد بود، زیرا ریشه قوانین آن الهی و آسمانی است و مروج آن هم انبیاء و پیامبران الهی بوده‌اند. و از ساخت دست بشر در امان بوده و خواهد بود.^۱ و قانونی که براساس دستورات ریشه‌دار اسلام تدوین شود، هرگز نمی‌تواند ناقص باشد و حکومتی که براساس چنین قانونی سیاست‌گذاری کند، قادر است در کم‌ترین زمان ممکن به پیشرفت‌هایی چشمگیر در تمامی زمینه‌ها (اقتصاد، سیاسی و فرهنگی) دست یابد و این‌هم نشأت گرفته از قدرت آسمانی قوانین اسلام است (صدر، ۱۳۹۴: ۲۶، ۷۱ و ۹۲).

^۱ سوره بقره، آیه شریفه ۲۳: «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»؛ «و اگر شما را شک می‌آید در قرآنی که بر بنده خود (محمد صلی الله علیه و آله و سلم) فرستادیم، پس بیاورید یک سوره مانند

آن، و گواهان خود را بخوانید به جز خدا، اگر راست می‌گویید.»

۲. مبانی فکری جریان‌های سیاسی از نگاه شهید صدر

۲-۱. تفکر انقلابی (نوگرایی دینی)

شهید صدر بر این باور است که در این عصر و برهه‌ی حساس تاریخی، برانگیختن روح انقلابی و زنده کردن و به حرکت درآوردن تفکر مبارزه با استکبار در میان مسلمانان، پدیده‌ای ضروری و پذیرفتنی و موفق خواهد بود؛ اگر نوگرایی در چارچوب نظری و تفکر عملی اصیل اسلام ناب و از راه گسترش تفسیر درست و زنده‌ی آن، در سطح جامع صورت گیرد، به موفقیت خواهد رسید. در غیر این صورت، راه به‌جایی نخواهد برد. وی در این باره می‌نویسد:

«تفکر نوگرایی، که بر پایه‌ی غیردینی بایستد و با ایدئولوژی غیرمربوط به اسلام در پیوند باشد، عملی نیست؛ زیرا تفکر این چنینی، نه توانایی تفسیری درست از اسلام دارد و نه می‌تواند قاطبه امت را به پذیرش دیدگاه خود در تفسیر اسلام ناب وادار سازد.»

اگر تفکر نوگرایی بر مبانی اسلام واقعی تکیه کند و پیوند استواری با سرچشمه‌های اسلام نبوی و علوی در میان توده‌ها داشته باشد و آئین اسلام اثنی عشری را در حکومتی به منصف ظهور بنشانند. قادر است مردم را به کار نیکو و خدایسندانه وا دارد و از کار زشت منع کند، چنین ایده‌ای می‌تواند محافظه‌کاران و سنت‌پرستان را نیز به راه سازندگی و نوگرایی فکری کشانده و به تحرک اجتماعی وادار سازد.

شهید صدر، ایدئولوژی را مقدمه‌ی عصر تالاقی اندیشه‌ها و تفکراتی می‌داند که در پرتو رشد و توسعه‌ی تکنولوژی رسانه‌ای، اعم از نوشتاری و دیداری، پدیدار گشته و منشأ بسیاری از چالش‌های فکری و سیاسی شده‌است. جامعه‌ی اسلامی نیز با ایده‌ای مواجه شد که معتقد است: اسلام باید با تغییرات زمان دگرگون شود و دنباله‌رو جریان زندگی انسان باشد؛ چراکه اسلام به گمان آن‌ها، به گونه‌هایی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده نمی‌تواند وضع زندگی موجود انسان را، توجیه کند و به ناچار برای تطبیق دین با زندگی، بر مسلمانان واجب است که اسلام را باید با وضع و اوضاع جاری زندگی تطبیق داد، نه زندگی را با قوانین عمومی اسلام. و از این طریق اسلام را به رنگ تازه‌ای درآوردند تا با وضع موجود، عصر حاضر منطبق گردد؛ به عبارت دیگر، امروزه بسیاری از جوانان مسلمانی که پیش‌تر با احساس دینی وارد جوامع غربی شده و یا با تفکرات نو و اندیشه‌های جدید مواجه شدند و به تدریج موضع انفعالی گرفته و در مواردی نیز برای حفظ ارزش‌های خود، مبتلا به التقاط فکری شده و به نوعی؛ در دام اندیشه‌های نو، گرفتار می‌شوند.

شهید صدر با درک صحیح و شناخت ابعاد این چالش‌ها و با این اعتقاد که شریعت اسلام به-عنوان شریعتی دائمی و جهان شمول، برای جوامعی که دائم در تحول و تطور هستند، نه تنها احکامی متغیر دارد، بلکه احکام خود را با لحاظ اهداف و مبانی و ارزش‌های اسلامی، متناسب با زمان و مکان، دفع افسد به فاسد تشریح می‌کند تا جوامع اسلامی در بن‌بست و چالش قرار نگیرد.

قرائتی که در روزگار شهید صدر به هیمنه و اکسیر تفکر اصیل اسلامی آسیب می‌رساند؛ رواج تفسیرهای ناصواب، تأویل‌های التقاطی و برداشت‌های افراطی از دین و مفاهیم دینی بوده و در مقابل متحجران، گروه‌هایی هم راه افراط پیش گرفته و در چهره نوگرا، جهان‌بینی و اندیشه‌های وارداتی شرق و غرب و فلسفه‌ها و مکتب‌های آن‌ها را اصل قرار داده و باورها و آموزه‌های دینی را در قالب‌های فکری و ابزار معرفتی آن‌ها تأویل و تفسیر می‌کردند.

آنان این خودباختگی فکری و اعتقادی را به‌گمان خود، نوفکری، دگراندیشی، نواندیشی و انقلاب در تفکر دینی نامیده، و تلاش می‌کردند فرهنگ و محتوای اسلام را با ایده‌ها و افکار نوپدید بشر، هماهنگ سازند. البته نتیجه این تلاش، چیزی جز موضع انفعالی در برابر الحاد علمی و فلسفی عصر جدید و عقب‌نشینی از اندیشه دینی و کاستن از ارزش مقدسات وحیانی و تجربی کردن حقایق و مفاهیم وحیانی نبود.

جوانان مسلمان، که قبلاً با احساس دینی وارد این گروه‌ها می‌شدند، به تدریج باور دینی‌شان رنگ باخته و به گروه‌هایی می‌پیوستند که به‌ظاهر بهتر، شور و احساس‌شان را پاسخ می‌دادند. سازمان مجاهدین خلق و فرقان در ایران و نیز گروه‌هایی چون رزگاری و کمونیست در عراق از جمله، جوانانی بودند که استحاله فکری شده و در دام گروه‌های منحرف گرفتار شدند و سرنوشتی بس ناخوشایند پیدا کردند. شهید صدر می‌گوید:

«امروزه در جوامع اسلامی به‌نوعی تفکر برمی‌خوریم که در اطراف تطور و تحول اسلام و چگونگی آن در بین بسیاری از مسلمین عصر حاضر رایج گشته که می‌پندارند احکام اسلام باید با تغییرات زمان تغییر پذیرد و دنباله‌رو جریان زندگی انسان باشد و چون اسلام به‌گمان آن‌ها به گونه‌هایی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل گشته، صلاحیت ندارد وضع زندگی موجود انسان را توجیه کند، به ناچار برای تطبیق دین با زندگی، بر مسلمانان واجب است که اسلام را به رنگ تازه‌ای بیاریند تا با وضع موجود عصر غربی منطبق گردد(صدر، ۱۳۷۶: ۴۴).

شهید صدر معتقد است که با بهره‌گیری از آموزه‌های وحیانی و نواندیشی بر پایه‌ی معیارهای اسلامی، می‌توان، خواست و نیاز زندگی دینی را پاسخ داد و نیازی به پناه بردن به ایده‌های خودساخته‌ی بشر، که بر مبنای بهره‌کشی از انسان و طبیعت بنا شده، نیست. وی در این زمینه پیروی از نصوص را به‌معنای جمود ندانسته، تا مانع تحول و نوگرایی در شؤون مختلف زندگی باشد؛ زیرا پیروی از نصوص به معنای پیروی کامل از دین و به کار بستن احکام دینی، بدون هیچ تغییر و تحریف می‌باشد(صدر، ۱۴۰۱: ۷۰).

شهید صدر، التقاط را تعریفی انحرافی، از روی نادانی و یا عمد، که ساخته دست مغرضان، در راستای تخریب دین مبین اسلام است، دانسته که بدون هیچ دستاوردی، تعلیم نبوی و آموزه‌های علوی را به تاراج فرهنگ ماده باور شرق و طبیعت‌گرا و منفعت‌طلب غربی داده، وی معتقد است که اسلام حیاتی طیبه و زندگی انسانی به بشر داده و با تکیه بر نصوص آن، می‌توان مشکلات پیش‌رو

را حل کرد. البته این چنین تفکری، یعنی تکیه بر نصوص؛ وی را از نواندیشی باز نداشت و در زمینه‌های مختلف، ابداعاتی کارگشا داشت.

دغدغه‌های فکری ایشان در آغاز قرن بیستم میلادی، شروع خودباختگی‌های گروه‌های جهان اسلام در برابر پیشرفت‌های علمی و فناوری غرب بود. تلاش بسیاری از اسلام‌گرایان در آن برهه بیش از همه، استناد به دیدگاه‌ها و فرضیه‌های رایج در غرب بود و محک زدن مفاهیم اسلامی به سنجه غربیان، تلفیق میان میراث و دارایی خود با برخی دستاوردهای غرب در آن زمان بالا گرفت. اما اندیشمندانی چون ایشان، تلاش کردند تا با تکیه به جایگاه عقل سلیم^۱ اسلامی و بنیادهای ذاتی اسلام، غرب شیفتگی و مرعوبیت برخی نواندیشان را در برابر پیشرفت‌های تکنولوژیکی، کم‌رنگ کنند. آن هنگام که سطحی‌اندیشی و ساده‌انگاری بر نوشته‌های بسیاری از اسلام‌گرایان سایه افکنده بود و عده‌ای تلاش می‌کردند با تفسیرهای تجربی، علمی و ترمودینامیکی آیات قرآن، در برابر این خودباختگی‌ها مقاومت کنند.

شهید صدر مشکلات امت اسلامی و پی‌گیری علل ناکامی‌ها، میراث و متون مقدس و آموزه‌های وحیانی را موشکافانه مورد کنکاش محققانه قرار داده و دیدگاه‌های جدیدی را ابداع کرد تا علاوه بر هماهنگ بودن با روح نیازهای زمانه، از غرب شیفتگی و غرب‌باوری جوانان جامعه اسلامی جلوگیری کند. ایشان در ردیابی عوامل ناکامی‌ها در جوامع مسلمین، به سه نوع آسیب و چالش در اندیشه اسلامی (داخلی، خارجی و التقاطی) که عرصه را بر اسلام اصیل و مسلمانان تنگ کرده بود، دست یافت.

۲-۲. تفکر الحادی (تهاجم خارجی به شریعت اسلامی)

اسلام‌باوران با جبهه الحاد شرقی و جبهه استعمارگر غربی طرف بوده که از یک سو، فکر و روش مادی‌گرایان فلسفی و اخلاقی به سرعت در جوامع اسلامی نفوذ و گسترش می‌یافت، و از سوی دیگر، استعمار در سیمای مکتب‌ها و فلسفه‌های ساختگی مادی پرستان، هویت جوامع اسلامی را نشانه گرفته بود. در این برهه که اندیشمندان اسلامی سخت در رنج و بیم قرار داشتند و تلاش و همت خود را برای رویارویی با این هجمه به کار گرفتند.

سیدمحمدباقر صدر به تلاش‌هایی عمیق روی آورد تا بدینوسیله، هم اندیشه کمونیستی را به چالش کشیده و هم در برابر دین‌ستیزی استعمار موضع گرفته باشد. وی با نگارش دو کتاب «فلسفه‌نا» و «اقتصادنا»، هر دو جبهه تهاجم (داخلی و خارجی) را هدف قرار داد. و در این دو اثر

^۱. عقل سلیم یعنی حکم با العقل و حکم با الشرع

فاخر؛ جهان‌بینی و افکار مادی و ماتریالیستی شرق و غرب را در معرض نقدهای جدی قرار داده و ناتوانی تفکر و آرای آنان را در تبیین خط مشی درست زندگی به تصویر کشید (صدر، ۱۳۹۹: ۱۴۰).

هرچند شهید صدر از خطر الحادی‌های کمونیسم، در عراق رنج می‌برد، ولی وجود این خطر در سایر جوامع اسلامی، رنج او را بیش‌تر می‌کرد، ایشان در این باره می‌گوید:

«من الان احساس رنج و محنتی بزرگ می‌کنم؛ زیرا عراق با خطر کمونیسم روبرو شده است. ولی اگر رنج من برای خدا باشد، و این‌که خداوند در زمین مورد پرستش قرار گیرد و مردم گروه گروه از دین خدا خارج نشوند، آن‌گاه است که به یک درجه و بدون هیچ تفاوتی بین عراق، ایران، پاکستان، لبنان و یا هریک از کشورهای جهان اسلام نسبت به هر خطری که اسلام را تهدید کند، رنج و محنت خواهم داشت» (صدر، ۱۳۵۹: ۲۸).

این رنج و محنت، نه تنها او را از پای در نیاورد و ناامید نکرد، بلکه برای آلام آن، دست به حرکتی شایسته زد و در نگارش کتب مذکور سخت کوشید و در آن، تنها مکاتب و آرای مهاجمین را نقد و ارزیابی نکرد، بلکه در یک بررسی مقایسه‌ای تئوری‌های اسلام را نیز ارائه کرد تا اولاً مسلمانان را از انفعال خارج کرده و ثانیاً در موضع هجمه قرار دهد و در خلاء فکری و ایدئولوژیک قرار نگیرند. به علاوه، برتری اندیشه‌های اسلامی را نیز واقف گرداند. ایشان نکاتی را در آغاز کتاب «فلسفه‌نا» آورده است که عبارتند از: اسلام باید در برابر میدان داری مکاتب، سخن را بگوید. البته با بیانی قوی و عمیق، صریح و روشن باشد و موضوع انسان و زندگی اجتماعی و حکومت را فرا گیرد تا در این میدان داری، مسلمانان، بتوانند سخن خدا را به مردم برسانند. و در این اثر فاخر علمی، بخشی از مسئله‌ی جهان‌بینی اسلام را بررسی می‌کنند.

ایشان علاوه بر پاسخ‌گویی به دیدگاه‌های معرفت‌شناسانه مارکسیسم، تازه‌ترین جلوه‌ی اندیشه‌ی ماتریالیستی یعنی پوزیتیویسم، را نقادی کرده است. پوزیتیویسم که شاید اوج ماتریالیسم علمی در قرن نوزدهم و نیمه نخست قرن بیستم بود، در واقع شورشی بود علیه فلسفه و گرایش دینی و اخلاقی؛ زیرا تنها به روش‌شناسی تجربی تکیه کرده و داده‌هایی را علمی می‌دانست که فقط از طریق معنا و طرح آن‌ها به دست می‌آمد و مدعی بود گزاره‌های دینی، چون با روش تجربی به دست نمی‌آیند، تهی از تفکر است، و با تشکیک در معناداری گزاره‌های دینی، در حقیقت، بنیادی‌ترین و شدیدترین حمله را به اندیشه و معرفت دینی وارد ساخت (صدر، ۱۴۰۸: ۵۶).

شهید صدر، از محدود متفکران اسلامی بود که در آثار فلسفی و منطقی خود، به پاسخ‌گویی به شبهه‌های معرفت‌شناسی این نحله پرداخت. وی در برابر هجمه‌ی مکاتب جدید غربی آن را مجهز کرد. به این ترتیب، به سهم خود، نسل جوان و درگیر زمان خود و آیندگان را در جهت ایستادگی و مقابله در بیرون با فرهنگ غرب استعماری و شرق الحادی آگاه نمود (مخلص، بی‌تا: ۱۳۰).

۲-۳. دگماتیسم (تفکر بسته یا تحجر داخلی درون مسلکی)

پدیده تحجر یا فکر بسته و انقباضی، یکی از آفت‌هایی است که از دیرباز، از درون اجتماع دین باوران، موجب رکود اندیشه در جامعه‌ی اسلامی بوده است. این واژه، که در لغت به معنی سنگ شدن است، در اصطلاح به معنای نادیده گرفتن حقایق، دل مردگی و امتناع انسان از پذیرش حق و روی گردانی از خداوند است (ر.ک: فرهنگ معین). در این‌جا منظور از تحجر، این است که اندیشمندان، به‌ویژه علمای دین، حقایق موجود در جامعه‌ی اسلامی را نادیده گرفته و فقط به حل مسائل فردی بسنده کرده، و خود را موظف به پیچیدن نسخه درمان مشکلات فردی و امور شخصی مسلمانان بدانند و در مقابل مسائل فراوان سیاسی اجتماعی آنان سکوت کردند. به این دلیل که راه پرفراز و نشیب است. این پدیده در دهه‌های پیشین در دو حوزه ایران و عراق، به جدّ ظهور و بروز داشت؛ حوزه‌ای که با تکیه بر اندیشه‌ی اسلامی‌اش توانسته بود مسلمانان را چنان به حرکت و جنبش وادارد که قدرت بزرگ روزگار خود را تسلیم اراده و رفتار خویش نمایند. ناگفته نماند که حوادث مشروطه و مسائل پیش آمده پس از آن، در این امر بی‌تأثیر نبوده است.

استدلال آنان این بود که این راه پرفراز و نشیب است؛ راهی بسیار دراز است به اندازه‌ای که با این تلاش‌های ناچیز، نمی‌توان به جایی رسید و از مشکلات عبور کرد. هیچ‌کس قادر نیست چشم-انداز خود را به آخر کار برساند. امّا شهید صدر، در پاسخ می‌گوید:

«راه دراز است. ولی در مقابل چه مقصدی؟ وقتی مقصد دعوت به خدا و راه خدا باشد، دوری و درازی راه چیزی نیست. مگر مسلمان می‌خواهد در پایان این راه به نون و نوایی مادی برسد شک نیست سر راه پر از خار و خس است هیچ‌کس نمی‌گوید راه هموار است. این راه، راه بازسازی است و راه بازگشت امت به قرآن، راه برگشت به مرکزی که از آن منحرف گشته است. در این راه، خارها، دست‌هایی را که می‌خواهد آن‌ها را از سر راه برکند، خون می‌اندازد و زخمی می‌کند، ولی سرانجام خار ضعیف، در برابر اراده‌ی آهنین و عزم استوار انسان‌ها، تسلیم می‌گردد» (صدر، ۱۳۷۹: ۱۱-۹).

آن‌چه که شهید برای یافتن آن تلاش می‌کرد، دست یافتن دیدگاه‌های ناب اسلام درباره جامعه، تاریخ، سیاست و اقتصاد بود. در این مقام، افق‌های فراوانی گشوده که در این زمینه، جزء اندیشه-ورزانی اندک، کسی او را پیشی نگرفته بود. وی در این راه، روشی را پیش گرفت که اندیشه‌وران گذشته به آن توجه نداشته و یا کم‌تر کسی این چنین روشی داشت. روش او، پژوهش تمام جنبه‌های یک موضوع بود، نه بررسی تفکیکی یک موضوع خاص، به‌عنوان نمونه، وی حتی به زندگی و تاریخ ائمه شیعه علیهم السلام نگاهی متفاوت داشت؛ رویکردی که برای زندگی هر امام علیه السلام در نظر گرفته و تاریخ حیات آن معصوم علیه السلام را به‌مثابه یک پدیده‌ی کلی و نه جزئی بنگرد. ائمه علیهم السلام را یک واحد پیوسته برشمارد و از نشانه‌ها و اهداف مشترک آن‌ها می‌توان با کلی نگرایی به زندگی ائمه معصومین علیهم السلام، به دستاوردهای تازه‌ای دست یازید که جزئی‌نگری از آن‌ها بی‌بهره است؛ زیرا

با نگاه شمولى و كلى مى‌توان به پيوندهاى پى‌برد كه ميان رفتار امامان ^{عليهم السلام} وجود دارد (صدر، ۱۴۰۳: ۵۸).

۲-۴. تفكر بعثى (وهاى تكفيرى)

رژيم بعث عراق براى جلوگيرى از اضمحلال خود تصميم گرفت كه كشور عراق را سراسر بعثى كند و ابتدا طى دستورى به تمام ادارات، بويژه كارمندان نظام آموزشى كشور دستور داد كه بايد به تشكيلات حزب بعث پيوندند و برنامه‌هاى حزب را در تمام سطوح آموزشى اجرا كنند. در اين جا بود كه آيت‌الله سيد محمد باقر صدر موقعيت حزب بعث را درك كرده و در مقام مرجعيت شيعه اثنى عشرى و يگانه پرچمدار مبارزه با تفكر تكفيرى (حزب بعث)، با صدور فتواى انقلابى، پيوستن به جريان بعثى، و هرگونه همكارى با آن را تحریم كرد. مردم عراق با اين فتواى انقلابى، تكليف خود را شناخته و از پيوستن به حزب بعث خوددارى كردند. يكي از كارهاى مهم ايشان براى بيدارى مردم عراق و آماده كردن آن‌ها براى قيام عليه رژيم بعث، برگزارى درس تفسير موضوعى قرآن بود، بويژه براى طلاب جوان، آن‌هم بعد از تعطيل كردن درس خارج فقه؛ زيرا در حوزه علميه نجف كم‌تر ديده شده بود كه يك مرجع تقليد تفسير قرآن بگويد آن هم به‌جای درس خارج فقه كه اين بيش‌تر مایه تعجب ديگران مى‌شد.

به‌طورى كه يكي از شاگردان، از ايشان در اين باره پرسيدند و ايشان جواب دادند كه براى من تدريس، تأليف و تحقيق به‌عنوان حرفه و هدف در زندگى نيست، بلكه ادای وظيفه شرعى به هر نحو ممكن، براى من از همه چيز مهم‌تر است زيرا در اين برهه از تاريخ اسلام و مسلمين كه انقلاب اسلامى ايران به رهبرى حضرت امام خمينى ^{رحمت الله عليه} به سر منزل مقصود رسيده و قدرت پوشالى غرب و شرق (تفكر استعمارى و الحادى) را از هيمنه انداخته و شكست داده و ناقوس بيدارى را در امت اسلامى در سراسر دنياى اسلام به صدا در آورده، وظيفه خود مى‌دانم كه با تفسير قرآن، اذهان امت اسلامى را تحريك كرده و نسبت به نقشه دشمن آگاه سازم و اهداف و آرمان‌هاى نظام اسلامى ايران، به رهبرى امام خمينى ^{رحمت الله عليه} را با بيان مفاهيم موضوعى و شور انگيز قرآنى مطرح نموده و به‌طور حماسى و اجتماعى، دل‌ها را براى ملحق شدن به انقلاب اسلامى ايران مهيا نمايم.

درس تفسير موضوعى ايشان چنان انقلاب فرهنگى و سياسى در اذهان مردم عراق ايجاد كرد كه حكومت بعث عراق اين پديده اثرگذار قرآنى را تهديدى سخت براى ماهيت و موجوديت خود مى‌دانست و براى جلوگيرى از هرگونه تحرك مردمى، در يك حمله همه‌جانبه تمامى نمايندگان مرجعيت را در شهرهاى شيعه نشين عراق دستگير و زندانى كرد و پس از آن سيد محمد باقر صدر، تاريخ شانزده رجب المرجب سال ۱۳۹۹ را روز اعتراض و اظهار انزجار از اعمال ظالمانه رژيم بعث

عراق اعلام کرد. و مردم عراق با تبعیت از ایشان به پا خواسته و دست از کار کشیدند و حوزه و بازار را تعطیل کرده و با یک شوق وصف ناشدنی درب منزل ایشان رفتند و با وی بیعت کردند.

در همان شب، رژیم بعث سید را دستگیر و به سازمان امنیت بغداد انتقال داده و از ایشان خواستند که دست از حمایت و پشتیبانی انقلاب اسلامی ایران بردارد؛ اما سید جواب دادند که من یک مسلمان هستم و در برابر سرنوشت دیگر مسلمانان جهان، نه تنها ایران و عراق مسئولیت دارم و لذا به تکلیف شرعی خود وفادار می‌مانم و حمایت از انقلاب اسلامی ایران، یک وظیفه الهی و شرعی است.

در این موقعیت، خواهر سید (بنت الهدا) در حرم مطهر امام علی علیه السلام به سخنرانی پرداخته و از مردم عراق خواست تا نسبت به دستگیری مرجع تقلیدشان علیه حکومت عراق اعتراض کنند و لذا مردم فردای همان شب به خیابان‌ها ریخته و دولت مجبور شد سید را آزاد کند؛ اما نیروهای امنیتی حدود نه ماه خانه سید را در محاصر خود داشتند تا شاید بتوانند سید را از حمایت و پشتیبانی انقلاب اسلامی ایران منصرف نمایند؛ اما به این نتیجه رسیدند که سید در این موضع استوار و پایدار است و هرگز دست از این ایده خود نمی‌کشد. و لذا ابو سعید رئیس سازمان امنیت عراق با گروهی به منزل سید هجوم برده و به وی گفتند آماده رفتن به بغداد باشید. سید هم در جواب ایشان گفتند من خیلی وقت است که آماده شهادتم (آوینی، بی‌تا).

سید قبل از انتقال به بغداد طی فتوایی اعلام کرد، کسانی که در ایران برای دفاع از اسلام و مسلمین قیام کرده و کشته می‌شوند شهید هستند و خداوند آن‌ها را در بهشت با امام حسین علیه السلام معشور و محصور می‌گرداند. این فتوا، انقلابی را در عراق برانگیخت و باعث شد ملت عراق نسبت به ملت ایران و شهیدان مبارزه در مسیر انقلاب احساس برادری کنند و دل‌هایشان به سوی ایران برگردد؛ اما از سوی دیگر سردمداران رژیم بعث عراق از صدور این فتوای انقلابی به وحشت افتاده و آن‌را تهدیدی ضمنی علیه امنیت و حاکمیت خود دانستند. بنابراین، شورای فرماندهی عراق جلسه‌ای، تحت عنوان «دفع خطر خمینی در عراق»، تشکیل داده و طرح‌هایی برای از میان برداشتن آیت‌الله سید محمد باقر صدر ارائه دادند.

موقعی که رژیم بعث عراق ظلم و ستم خود را نسبت به مردم عراق افزایش داده و به کشتار مردم بی‌گناه شیعه، به‌ویژه شیعیان جنوب و روحانیون می‌پرداخت؛ وی طی فتوایی اعلام جهاد نمود؛ و دولت عراق وحشت کرده و خانه ایشان را محاصره نمود. و در این هنگامه بنت الهدا خواهر شجاع و انقلابی سید که همیشه پایه‌پای ایشان بود، طی بیانیه‌ای شور انگیز گفت:

«به خدا سوگند که من در آرزوی شهادت در راه خدا زنده‌ام و تا زمانی که مطمئن باشم که کارم برای رضای خداوند است؛ راهم را ادامه خواهم داد. هر چند در این راه کشته شوم، زیرا شهادت همیشه مرا به سوی خویش می‌کشاند».

سر انجام سید پس از بیست سال مبارزه، در روز سه شنبه شانزدهم فروردین سال ۱۳۵۹، توسط نیروهای بعثی دستگیر و به زندان بغداد انتقال یافت و فردای آن روز خواهر مجاهده‌اش را دستگیر و به بغداد انتقال دادند و در روز نوزده فروردین ماه سال ۱۳۵۹، به فیض شهادت نائل آمدند. صدام پس از شهادت آیت الله صدر گفت: «ما خمینی عراق را کشتیم» (حمدانی، ۱۳۹۴: ۲۵ - ۲۱).

در مجموع، آیت الله شهید محمد باقر صدر، از زمره بزرگ‌ترین اندیشمندان عصر خویش بود یعنی حکیمی کم نظیر، فقیهی جامع الشرایط، آشنا به فلسفه، مسلط به تفسیر، و متفکری آگاه به علوم زمانه و موضوعات فرهنگ، اقتصاد، سیاست و جامعه‌شناسی بود.

شهید صدر علاوه بر فعالیت‌های ارزنده علمی و تدوین رسالات مهم و تألیف آثار ماندگار، شاگردان نامی و اثرگذاری تربیت کرد که در مسیر شهید صدر حرکت کردند و منشاء آثار و فعالیت‌های علمی مفیدی در زمینه‌های نوآوری در علوم دینی و احیای معارف اسلامی متناسب با مقتضیات زمانه شدند. مانند مرحوم آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی که ملقب به وارث صدر بود؛ آیت الله شهید سید محمد باقر حکیم که ملقب به بازوی صدر بود؛ آیت الله سید کاظم حائری، آیت الله سید حیدر کمالی که ملقب به فقها صدرایی جهان عرب است (مجله حوزه، ۷۹ و ۸۰).

۳. نگاه شهید صدر به جریان سیاسی ایران (انقلاب اسلامی ایران)

قبل از انقلاب اسلامی ایران، شهید صدر از نهضت امام خمینی رحمت الله علیه حمایت نموده و ارتباط خود را با امام روز به روز افزایش می‌داد. وی در سال ۱۳۸۵ هجری قمری از هم‌فکران و شاگردان خود خواست که از ورود امام خمینی رحمت الله علیه به نجف اشرف که پس از تبعید به ترکیه توسط رژیم پهلوی صورت گرفته بود، استقبال نمایند و از وجود ایشان به عنوان رهبر آزادی‌خواهان جهان در حوزه نجف نهایت بهره‌برداری را بکنند.

این خواسته با ورود امام رحمت الله علیه به عراق، باعث جنب و جوش تازه‌ای، بویژه در حوزه علمیه نجف شد. هرچند علمای عراق نسبت به استقبال امام نظرات مختلفی داشتند؛ اما سید محمد باقر صدر با اشتیاق فراوان به اتفاق علمای دیگر در مراسم استقبال و پیشواز از امام در ورودی شهر نجف شرکت نمودند و در طول چهارده سالی که امام در نجف اشرف حضور داشتند، با او ارتباط نزدیکی داشته و به ایشان عشق می‌ورزیدند و در امر مبارزه در کنار امام بوده و به قیام امام در ایران بسیار امیدوار بودند.

ایشان پس از تبعید امام به پاریس، طی نامه‌ای به امام، از قیام شکوهمند و شجاعانه ملت ایران به رهبری حکیمانه ایشان در مقابل آمریکا و دست نشانده او در ایران حمایت کرده و با تمام اخلاص و شجاعت آمادگی خود را برای همکاری با امام خمینی رحمت الله علیه و امت قهرمان ایران

اعلام نمودند. و پس از این نامه، نامه دیگری به شاگردان، مریدان و هوادارن خود در ایران نوشتند و به آن‌ها دستود دادند تا در مبارزه علیه رژیم ایران، با ملت ایران همگام و همراه شوند. و از هیچ فداکاری در راه پیروزی این انقلاب دریغ نورزند. و خود را در اطاعت از امام خمینی رحمت‌الله علیه فانی سازند. همان طوری که ایشان در راه اهداف و آرمان‌های الهی ذوب شده‌اند.

آیت‌الله صدر از حامیان صادق نظام اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمت‌الله علیه بود و علاوه بر حمایت‌های قبلی که کتباً طی دو نامه اعلام کرده بود و باعث سوق دادن مردم عراق در حمایت از انقلاب اسلامی مردم ایران شده بود، تألیف کتاب «الاسلام یقود الحیاه» ایشان که در شش جلد شامل بحث‌هایی نظیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، منابع قدرت، احزاب اسلامی، دولت اسلامی و اقتصاد جامعه اسلامی بود. در یک دعوت سراسری از مردم عراق، بویژه مردم و علمای شهر مقدس نجف اشرف، خواست که به حمایت از انقلاب اسلامی ایران، در مسجد جواهری نجف اشرف تجمع کنند. و خودشان آن شب به منبر رفته و برای مردم عراق، از ماهیت انقلاب اسلامی ایران و نقش بی بدیل حضرت امام خمینی رحمت‌الله علیه در احیای اندیشه‌های دینی و اصلاح امت اسلامی سخن گفتند. و با این سخنرانی تکلیف مردم عراق را در برابر رژیم ضد دینی بعث روشن کردند. و بدین وسیله راه قیام و مبارزه را به خوبی ترسیم نموده و مردم عراق، فردای آن روز در اکثر شهرهای شیعه‌نشین به حمایت از انقلاب اسلامی ایران راهپیمایی کردند (حمدانی، همان).

۴. راهبرد شهید صدر در مواجهه با چالش‌های ناشی از جریان‌های اجتماعی

اغلب علما و اندیشمندان فکری جوامع، در زمینه‌ی چالش‌های پیش‌رو، در دو بعد شناختی و درمانی، عملکرد متفاوتی داشته‌اند؛ به این معنا که در بُعد شناخت چالش‌ها چه بسا راه صحیح و صوابی را پیموده، و به درستی چالش‌ها را شناسایی نمایند، اما در بعد درمان و رهایی از آن، ممکن است حتی دچار چالش‌های عمیق‌تر و وسیع‌تری گردند. شهید از محدود اندیشمندانی است که در هر دو بعد شناخت و درمان نسبتاً موفق بوده است. وی نه تنها به خوبی چالش‌های موجود در جامعه اسلامی را شناسایی نموده، بلکه با ارائه «فقه النظریه» تلاش کرده است تا فقدان نظری در عرصه فقه را ترمیم نماید. و به خوبی فقه‌های شیعه را در شناخت چالش‌های فکری یاری داده و جامعه اسلامی را از آسیب‌های سیاسی اجتماعی به ویژه تفکرات نوظهور و خلاء تفکرات ناب واقعی اسلام، نجات بدهد.

فقه النظریه در نزد شهید صدر عبارت است از عملیات استنباط و اکتشاف یک چارچوب کلان فقهی که جهت‌گیری در ساحت‌های اقتصادی، اجتماعی، قضایی و سیاسی زندگی انسان را ایجاد می‌کند. به نحوی که موجب شفاف‌سازی راه‌حل‌های اسلامی می‌گردد و احکام فرعی متعدد را حول یک محور جمع می‌نماید تا یک ساختار و زیربنایی برای تنظیم زندگی انسان مسلمان به وجود آورد،

بر اساس رهیافت فقه‌النظریه، دین و شریعت اسلام حاوی چارچوب‌های کلان در تنظیم زندگی است (غفوری، بی تا: ۱۲۳؛ صدر، ۱۹۷۹: ۳۰۳).

این رویکرد به دنبال ساختن چارچوب برای دستگاه فقه است؛ زیرا فقه را نظام‌مند می‌داند و این نظام‌مندی به معنای این است که مجموعه‌ی احکام شریعت در رابطه باهم می‌باشند. برخلاف رویکردهای فقهی دیگر، که هر حکمی را به ادله‌ی خاص خود ارجاع می‌دهند، در فقه‌النظریه صدور حکم از طریق یک شبکه صورت می‌گیرد، به طوری که به فقیه امکان اکتشاف فقهی می‌دهد. از این جهت، نسبت فرد، دولت و جریان‌های فکری نیز در این شبکه معنا می‌یابد (خراسانی، ۱۳۹۰: ۲۶۵).

شهید صدر بر این عقیده است که در کنار اصول و قواعد استنباط، می‌توان بر تئوری و نظریه نیز تکیه کرد. از آن‌جا که شریعت جامعیت دارد، تئوری هم در آن وجود دارد. از این رو، اکتشاف نظری هم مهم‌ترین دغدغه روش شناختی فقه‌النظریه است؛ زیرا تئوری فقهی قدرت پیش‌بینی به فقه و مجتهد می‌دهد. هرچند ممکن است گاه تئوری زاویه‌هایی ایجاد کند و برخی ادله و قواعد را کنار بزند. در این صورت، فقیه می‌تواند با نگاه ژرف اندیش خود از تحریف جامعه اسلامی جلوگیری نماید (خراسانی، ۱۳۹۰: ۲۶۵).

این نظریه در کتاب «اقتصادنا» شهید سید محمد باقر صدر مطرح شده است که خبر از وجود قلمروی فاقد حکم در دین مبین اسلام داده؛ یعنی اسلام به حاکم اسلامی که بر اساس رقابت سالم تحزب اسلامی به قدرت رسیده است، اجازه می‌دهد تا در برخی مسائل اجتماعی، با در نظر گرفتن ضوابطی، و با توجه به نیازهای زمانی و مکانی، حکم و قانون وضع کند. ریشه‌ی این نظریه را می‌توان در اندیشه‌ی علمایی که پیش از شهید صدر می‌زیسته‌اند و از جمله در عصر مشروطه و در آثار علامه نائینی مانند «تنبيه الامه وتنزیه المله» دید.

از نگاه شهید صدر، مکتب اقتصاد اسلامی که در کتاب «اقتصادنا» به آن اشاره کرده است، به دو بخش تقسیم می‌شود؛ بخشی که اسلام، احکام و قوانین آن را به صورتی وضع کرده که تغییر و تبدیلی در آن راه ندارد. و نیز بخشی که وظیفه تشریح قانون در آن، به عهده‌ی دولت اسلامی که از طریق تفکر تحزب در اسلام به قدرت دست یافته، گذاشته شده است؛ و قانون‌گذار یا حاکم اسلامی باید با در نظر گرفتن موقعیت و واقعیت عصر خویش، تدبیر نموده و بر اساس قاعده‌ی زمان و مکان احصاء قانون نماید. بنابراین، شهید صدر آن بخشی از اسلام که فاقد قوانین و حکم روشن است را منطقه الفراغ می‌نامد و معتقد است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هم از آن استفاده کرده و قانونگذاری‌هایی را به عنوان حاکم جامعه‌ی اسلامی (نه از بعد پیامبری) انجام داده است. البته، به باور ایشان این نوع قانونگذاری‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دائمی نبوده است و جزء ثابتی از مکتب اقتصادی اسلام به شمار نمی‌آید.

۵. اصلاح جریان‌ات حوزه از نگاه شهید صدر

وی کاستی‌های و انحرافات فکری حوزه را به‌خوبی شناخته بود و با تیزبینی تمام آن‌ها را آسیب‌شناسی کرده و همیشه، در هر فرصتی، رسالت حوزویان را به آن‌ها گوشزد می‌کرد. ایشان دگرگونی در حوزه را گام نخستین برای پی‌ریزی تمدن اسلامی و مرزبانی از تفکر اسلامی، حراست و نگهداری از امت اسلامی می‌دانست و لذا در این راستا روشی نو در تدریس، طراحی؛ و متون جدید آموزشی مانند: «حلقات الاصول» در سه سطح و «المعالم الجدیده» را برای آموزش سطح نگاشت. وی بر این باور بود که در حوزه‌ها، هدف اجتهاد مفقود مانده و در امورات غیر ضرور دیگر گم شده‌است.

ایشان رسالت اجتهاد را مهجور مانده دانسته و برای احیای اجتهاد، رساله روشن‌گری هدف‌های اجتهاد را نوشت. وی با طرح این سؤال که «اجتهاد در آینده به کدام سو می‌رود؟»، بنیادهای تحول اجتهاد را نهاد و وضع موجود اجتهاد را به نقد کشید. وی معتقد بود زمانی مسلمانان توانا و قدرت‌مند می‌شوند که زندگی خود را با نظریه‌ی اسلام منطبق گردانند و این میسر نیست مگر این‌که تحولی در نهاد اجتهاد اتفاق بیفتد.

وی بر این باور بود که سیرت معصومین علیهم السلام فقط در حوزه فردی تفسیر و تبیین شده است و این باعث دوری شیعه از حکومت و تفسیری فرد گرایانه و فرد اندیشانه به اسم اسلام خلق شود. ایشان نگاه سنتی و رایج به نهاد اجتهاد را تک بعدی دانسته و حرکت به‌سوی دیدن تمام هدف اجتهاد را عامل احیای شریعت اسلامی برمی‌شمرد و تأکید داشت که اسلام، تجزیه‌ناپذیر بوده و یک مجموعه کلی و اثرگذار است و برابری زندگی فردی را در گرو برابری جامعه می‌دانست؛ یعنی فرد را باید در جامعه دید و هندسه زندگی او را ترسیم کرد. نمی‌توان فرد را جدای از پیوستگی‌های جامعه دید.

شهید صدر به این باور رسیده بود که استعمارگران و عوامل مرموز آن‌ها بر بی‌فایده بودن فعالیت‌های سیاسی و جا انداختن دکترین جدایی دین از سیاست، تأکید بسیاری دارند. و از دلمردگی و یأس حاکم بر حوزه نجف بهره‌افری می‌برند. شهید صدر پیامدهای یک‌سو نگری فقها را در اجتهاد، ناگوار دانسته و عواقب آن را چنین بر می‌شمارد:

- دور شدن فقه از متن زندگی بشر
- تأیید یک سونگری فقیه در قانونگذاری و رسوخ فردگرایی در تفسیر شریعت اسلامی
- تأثیر ناگوار بر فهم نصوص شریعت
- رکود اجتهاد، بویژه در عرصه زندگی

طرح مرجعیت وی در حقیقت طرح دگرگونی حوزه راه، در پی‌داشت یعنی خلیفه الهی انسان در زمین، آن‌هم در عصر غیبت را متبلور در مرجعیت قلمداد می‌کرد و اعتقادش بر این اصل استوار بود که شریعت، حفظ نمی‌شود مگر با تشکیل جامعه اسلامی؛ زیرا، زیر ساخت اندیشه سیاسی و

اجتماعی ایشان برمدار خلافت انسان بود. که جانشین بلافصل خداوند متعال بر روی زمین است. ولذا در سه محور اصلاحات حوزه را ضروری می‌دانست که عبارتند از:

- اصلاح نظام اداری حوزه
- اصلاح نظام آموزشی و فکری حوزه
- اصلاح نظام فرهنگ حوزه: این محور از دیگر محورها، کلیدی‌تر و حائز اهمیت فوق‌العاده‌ای بوده؛ زیرا حکم منبع و مأخذ برای دیگر فعالیت‌های حوزه را دارد یعنی انسان موقعی در مدیریت اداری و آموزشی موفق است که دارای فرهنگ مدیریتی در حوزه‌های کاری خود باشد (مجله حوزه، ۱۳۹۷: ۳۲).

۶. نتیجه‌گیری:

شهید صدر معتقد است تمامی قدرت‌ها و توانایی فکری بشری دارای منشاء الهی است، و با این قدرت می‌تواند در جهان هستی دگرگونی فوق‌العاده‌ای ایجاد کرده و انسان گرفتار جریان‌های انحرافی را، رها ساخت. و به عبودیت الهی سوق داد. که مطابق با اهداف پیامبران الهی است.^۱ خداوند سرچشمه تمام قواست، و تسلط انسانی را بر دیگری نمی‌پذیرد. مگر به رأی و میل خود انسان و سیادت فرستادگان خویش که هدفی جز هدایت بشر نداشته‌اند. اندیشه‌های سیاسی شهید صدر در قالب نظریه جوهری منطقه الفراغ بر اکثر جریان‌های جهان اسلام تأثیر به‌سزایی داشته است و باعث هدایت آن‌ها بوده و خواهد بود.

طبق باورهای جامعه‌شناسانه، انسان، خود محیط خود را می‌سازد؛ پس همین انسان به ماهو انسان است که با اندیشه خود می‌تواند چراغ راه، دیگرانسان‌ها شود؛ و صحیفه‌ای بنگارد، و خلاق راه، هادی و هدایت‌گر شده و بهره‌ی اجتماعی و آفری به انسانیت برساند. در حقیقت همین اندیشه ناب انسان دین‌محور و دین‌باور است که می‌تواند ملات زندگی بشریت را شکل داده و مقصد و مقصود انسان را به انسان مسافر و سرگردان بشناساند. و او را از گرداب انحرافات و جریان‌های اجتماعی نجات داده و بر چرخ زندگی استوار سازد.

^۱ طبق نظر شهید صدر همان شهادة الانبیاء است.

منابع

- صدر، سید محمد باقر (۱۳۷۶). **اقتصادنا**. مشهد: مکتب الاعلام الاسلامی.
- _____ (۱۴۲۱). **الاسلام يقود الحياه**. قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصيه للشهيد صدر.
- _____ (۱۴۰۱). **المدرسه الاسلاميه**. تهران: مکتبه اعتماد کاظمی.
- _____ (۱۳۹۹ق.). **خلافه الانسان و شهاده الانبياء**. بيروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- _____ (۱۴۰۷). **رسالتنا**. تهران: توحيد.
- دکمجان، هراير (۱۳۷۷). **جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب**. ترجمه حميد احمدی، تهران: کيهان.
- _____ (۱۳۵۹). **لمعه فقيهه تمهيديه عن مشروع دستور الجمهوريه الاسلاميه في ايران**. تهران: بنياد بعثت.
- _____ (۱۳۹۴). **اسلام راهبر زندگي**. ترجمه سید مهدی زندیه، قم: دارالصدر.
- _____ (۱۳۹۴). **بارقه‌ها**. ترجمه سید امید موذنی، قم: دارالصدر.
- حمدانی، طالب (۱۳۹۴). **نظريه سياسي شهيد صدر**. ترجمه اسماء خواجه زاده، قم: کتاب فردا.
- الملاط، شبلی (۱۹۹۸). **تجدید الفقه الاسلامی**. بيروت: دارالنهاده.
- «اندیشه ماندگار ۱»، دبیرخانه کنگره بین‌المللی آیت‌الله العظمی صدر، قم: شهریور ۱۳۷۹.
- «اندیشه ماندگار ۲»، مصاحبه با آیت‌الله سید محمد باقر حکیم، قم: آذر ۱۳۷۹.
- انصاری، محمدابراهیم (۱۴۱۲). **احیاء موات تقریرات درس شهيد صدر**. بيروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- شفیعی مازندرانی، سید محمد حسین (۱۳۸۷). **درس‌هایی از وصیت‌نامه امام خمینی**. قم: بی‌نا.
- صحیفه نور**. ج ۱۲.
- معموری، علی (۱۳۷۹). **نظريه سياسي شهيد صدر**. قم: اشراق.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**. تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۴؛ ج ۱، ۲ و ۳. قرآن کریم.
- ورعی، جواد (۱۳۹۳). «حق انتخاب و تعیین سرنوشت در قرآن کریم»، **مجموعه مقالات همایش بین‌المللی حقوق عمومی در قرآن کریم**، دانشگاه شهید بهشتی و معاونت حقوقی ریاست جمهوری، تهران: نهاد ریاست جمهوری.

شعبہ گاہ علوم انسانی و مطالعات اسلامی

زمانہ طبع علوم انسانی

۴